زیر آسمان فیروزه‌ای

فرش قرمزی برای اولین فیلم شهاب حسینی

● **بهناز شیربانی:** این‌روزها شهاب حسینی را با شمایل جدیدی در سینما می‌بینیم. بازیگر خوشنام سینمای ایران، این‌بار در مقام فیلمساز ظاهر شده و نخستین فیلم بلند سینمایی او «ساکن طبقه وسط» اکران سینماها را به خود اختصاص داده است؛ فیلمی که یکی از ویژگی‌هایش حضور شهاب حسینی در ۳۸نقش است که در نوع خود یک رکورد محسوب می‌شود. اما دوشنبه‌شب، ۲۱مهر بسیاری از علاقه‌مندان سینما و چهره‌های سینمایی، به تماشای فیلم او در مجموعه فرهنگی- هنری آسمان نشستند؛ شبی که برای شهاب حسینی حال و هوای دیگری داشت، او در میان انبوهی از مخاطبانش، فیلم را می‌دید و خوشحال از اینکه تلاش‌هایش به نتیجه رسیده است. آغاز رسمی مراسم با صحبت‌های امیر سماواتی، (تهیه‌کننده) آغاز شد. او گفت: «شهاب حسینی باید در این روز عزیز به ما عیدی بدهد و فکر می‌کنم عیدی او برای ما ساخت و نمایش این فیلم است.» پس از صحبت‌های سماواتی، از حامیان مالی این فیلم سینمایی، جواد ایزدی، فرشید رضاجویی، پروانه صانعی، ناهید ثمودی، فرزانه صانعی‌فر و مجید پازوکی تقدیر شد. شهاب حسینی که بابت کمبود جا از حاضران عذرخواهی می‌کرد، پشت تریبون حاضر شد و گفت: «ممنونم که امشب آمدید و امیدوارم چیزی که از دل برآمده، بر دل بزرگ شما هم بنشیند.» در حاشیه این مراسم مجید پازوکی، یکی از سرمایه‌گذاران این فیلم سینمایی، در گفت‌وگو با «شرق» درباره مشارکت در ساخت این پروژه سینمایی صحبت کرد. او گفت: «متاسفانه دولت یا نمی‌خواهد یا توانایی این را ندارد که به‌طور مطلوبی به پروژه‌های فرهنگی کمک کند. هرچند که بودجه‌های دولتی نیز محدود است و فکر می‌کنم بخش خصوصی باید به کمک هنر بیاید. این بخش نه‌تنها در سینما بلکه در سایر شاخه‌های فرهنگی می‌تواند مشکلات زیادی را حل کند.» او ادامه داد: «این پتانسیل در هنر و بخش خصوصی ما هست که هر دو بتوانند، در کنار هم سرپا بمانند.» پازوکی با اشاره به اینکه فیلمنامه جذاب این فیلم سینمایی نخستین انگیزه‌اش برای سرمایه‌گذاری در این فیلم بوده، گفت: «فیلمنامه خوب محمدهادی کریمی، نخستین اتفاقی بود که مرا جذب کرد. با خواندن این فیلمنامه، احساس کردم شرح‌حال مردمان این روزگار بازگو می‌شود. جالب است، با اینکه این فیلمنامه حدود ۱۰سال پیش نوشته شده، اما فیلمنامه‌نویس با تیزهوشی تمام، جریان تندروی‌های عقیدتی را به‌خوبی در آن منعکس کرده است. دلیل بعدی این همکاری آشنایی با شهاب حسینی بود. وقتی با او آشنا شدم متوجه شدم تا چه حد روح سالمی دارد و انسان شریفی است و احساس کردم می‌توانیم تیم خوبی را تشکیل دهیم.»

عکس: Alexander Heimann

بازار خریدوفروش «حق کپی‌رایت» در نمایشگاه کتاب «فرانکفورت»

سالن حرفه‌ای‌ها

فرزانه ابراهیم‌زاده . خبرنگار اعزامی «شرق» به فرانکفورت

میزها و کتاب‌ها. گفت‌وگوهای رودررو. صداهای درهم پیچیده. کتابی ورق می‌خورد. تلفنی پاسخ داده می‌شود و کسی دست‌هایش را بالا می‌برد: معامله تمام! دست‌ها درهم فشرده می‌شود و امضای روی کاغذ، به معنای ثبت توافق است. اینجا یک بازار واقعی است اما بازار بورس نیست، بزرگ‌ترین بازار خریدوفروش کالایی به اسم «حق کپی‌رایت» درست در مرکز نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت است: «سالن۶» بازاری برای راه‌یافتن به عرصه جهانی نشر. در میان تعریف‌هایی که از نمایشگاه کتاب فرانکفورت و نمایشگاه‌هایی ازاین‌دست می‌شود، خریدوفروش رایت یا همان حق انتشار کتاب‌ها شاید مهم‌ترینشان باشد. نمایشگاه کتاب فرانکفورت یکی از مهمترین بازارهای خریدوفروش حق کپی‌رایت در جهان است. هرسال جمع بزرگی از آژانس‌های ادبی، ناشران شناخته‌شده و ناشران کوچک از سراسر دنیا گرد هم می‌آیند و قرارهای کاری و مذاکراتشان را اینجا می‌گذارند. همان‌جا هم قرارداد می‌بندند.

سالن آدم‌های «خاص»

در ورودی سالن دومامور پلیس ایستاده‌اند که کارت‌ها را وارسی می‌کنند. ورود به سالن۶ با کارت‌های عادی که در طول نمایشگاه در اختیار متخصصان و بازدیدکنندگان قرار می‌گیرد، امکان‌پذیر نیست. آی‌دی‌کارت‌های خبرنگاری هم در این سالن فعال نیست. این سالن تنها مختص کسانی است که برای خریدوفروش آمده‌اند، کالای فروشی هم تنها کتاب است. در دوسوی میزها افراد نشسته‌اند. در بالای هر میز نام یک‌آژانس ادبی دیده می‌شود. آژانس‌هایی که واسطه میان نویسندگان و ناشران کشورهای مختلف هستند. در این سالن فقط صحبت درباره خرید و فروش مجاز است. باید سکوت کرد و به مذاکراتی که به زبان‌های مختلف در جریان است نگاه کرد. اگر کاری جز صحبت درباره کتاب داشته باشید نباید این‌جا بایستید. بیشتر قرارها چندین‌ماه پیش هماهنگ و خلاصه کتاب برای بررسی ارسال شده است. تنها این‌جا محل صحبت‌های نهایی است. اما گاهی‌وقت‌ها قرار نیست همان‌جا پاسخی بگیرد. بعضی از ناشران در همین جلسه پاسخ خودشان را می‌گویند. اما گاهی کسانی هم هستند که پاسخ را به بررسی بیشتر موکول می‌کنند. با این همه بیش از میلیون‌هایورو برای خریدوفروش رایت کتاب‌ها در طول پنج‌روز برگزاری نمایشگاه فرانکفورت ردوبدل می‌شود. کتاب‌هایی که با انتشارشان در سطح بین‌المللی می‌توانند نویسندگان و اعتقاداتشان را به جهان معرفی کنند. راهی که کشورهایی چون ترکیه و ژاپن رفته‌اند. اما چند نویسنده ایرانی در این سال‌ها معرفی شدند؟ در این میان سهم کتاب‌های ایرانی چقدر است؟

ایرانی‌های سالن۶

در نمایشگاه فرانکفورت کتاب‌های زیادی از ایران در انتظار معرفی به دیگر ناشران بودند. اتحادیه ناشران ۲۰۰کتاب را از ناشران مختلف آورده بود. مجمع ناشران دفاع مقدس، انتشارات حافظ، نشر چکه، انتشارات الهدی، انتشارات کانون پرورش‌فکری کودکان و... هرکدام تعدادی از آثارشان را آورده بودند تا به‌فروش برسانند. آژانس ادبی غزال که از معتبرترین آژانس‌های ادبی ایران است نیز آمده بود تا از سوی برخی ناشران و نویسندگان کتاب‌هایش را به ناشران دیگر معرفی کند. جلسات مذاکره برای فروش رایت به‌صورت دایم در جریان بود و در نهایت آنچنان که امیرمسعود شهرام‌نیا، مدیر غرفه ایران گفت برای رایت بیش از ۲۰کتاب برای ترجمه به زبان‌های دیگر صحبت‌هایی شده است. همین‌طور موسسه انتشاراتی الهدی و غزال نیز توانستند برای فروش رایت موافقت‌هایی کسب کنند. اما شاید در این میان فروش رایت دوکتاب از محمد طلوعی، نویسنده جوان ایرانی در این نمایشگاه یکی از نکات قابل‌توجه بود. طلوعی که با مجموعه «من ژانت نیستم» در میان جامعه کتابخوان، شناخته شده است در طول نمایشگاه فرانکفورت رایت کتاب تازه‌اش «آناتومی افسردگی» را فروخت. فلترینی ایتالیا که یکی از ناشران شناخته‌شده این کشور است حق انتشار «آناتومی افسردگی» را خرید و قرار است درباره آثار دیگر این نویسنده هم گفت‌وگوهایی داشته باشد. انتشارات هاووز آلمان هم رایت مجموعه داستانی «هفت‌گنبد» را خرید که شامل هفت‌داستان ایرانی است. طلوعی این کتاب‌ها را از طریق فرزانه دوستی که مسوولیت معرفی کتاب‌هایش را دارد فروخته است. اما اعلام موافقت نهایی تنها اتفاقی است که در فرانکفورت رخ داده و قراری کاملا فرمالیته است. طلوعی می‌گوید: «گفت‌وگو برای انتشار این کتاب‌ها از چندی قبل آغاز شده است و من تنها برای گفت‌وگوی نهایی و بستن قرارداد به اینجا آمدم.»

بسیاری از منتقدان بر این باورند که نپیوستن ایران به کنوانسیون برن مهم‌ترین دلیل عدم‌موفقیت ایران در بازار جهانی کتاب است. اما طلوعی که تجربه گفت‌وگو با ناشران خارجی و داخلی را دارد، می‌گوید این موضوع در عرصه جهانی خیلی اهمیت ندارد، عدم‌ارتباط با بازار نشر و تولید زیاد کتاب و اشباع نشدن بازار داخلی از کتاب‌ها، عوامل مهم‌تری است

بسیاری از منتقدان بر این باورند که نپیوستن ایران به کنوانسیون برن مهم‌ترین دلیل عدم‌موفقیت ایران در بازار جهانی کتاب است. اما طلوعی که تجربه گفت‌وگو با ناشران خارجی و داخلی را دارد، می‌گوید این موضوع در عرصه جهانی خیلی اهمیت ندارد، عدم‌ارتباط با بازار نشر و تولید زیاد کتاب و اشباع نشدن بازار داخلی از کتاب‌ها، عوامل مهم‌تری است: «در این‌جا با اینکه می‌دانند به کنوانسیون برن نپیوستیم و حق کپی‌رایت نداریم اما تلاش ما برای خرید رایت کتاب‌ها اهمیت دارد. ما باید از تجربه کشوری مانند ترکیه استفاده کنیم. ترک‌ها ابتدا بازار کتاب خودشان را به تعادل رساندند و بعد به سراغ بازار نشر جهانی رفتند. در ایران تولید کتاب بسیار زیاد است و خوانندگان برای انتخاب داستانی که بخوانند با گزینه‌های زیادی روبه‌رو هستند. همین باعث می‌شود کتاب‌هایی به‌فروش برسد که از طریق دیگران به‌صورت زبانی توصیه می‌شود. در حالی که اگر تولید کم شود هم مردم قدرت انتخاب دارند و هم کتاب‌ها بهتر دیده می‌شود.»

با انگلیسی و اسپانیولی، جهانی شوید

اما در بازار جهانی نشر چه زبانی در معرفی جهانی کتاب‌ها موثر خواهد بود؟ این سوالی است که از سالن۶ نمایشگاه فرانکفورت در ذهنم می‌چرخد. طلوعی معتقد است در میان زبان‌های جهان اگر بتوانید حق رایت خود را به زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی بفروشید سهم بیشتری از بازار جهانی خواهید داشت: «بیشتر افراد کتابخوان به زبان انگلیسی مسلط هستند و از سوی دیگر جمعیت بسیار خوبی در کشورهای اسپانیایی‌زبان است. این دوبازار در حوزه چاپ و نشر اهمیت زیادی دارند. ما باید در پی پیداکردن راهی برای ورود به این بازارها باشیم.» کتاب‌های کمی هستند که در این سال‌ها از فارسی به این دو زبان منتشر شده است. اما به‌نظر می‌رسد تلاش‌هایی که این‌روزها برای معرفی کتاب‌های ایرانی در بازار جهانی و پیوستن ایران به کنوانسیون برن صورت می‌گیرد راه روشنی را برای نشر ایران و معرفی آن به خارج از مرزها فراهم می‌کند؛ اگر نویسندگان ایرانی هم کمی جهانی‌تر فکر کنند.

چهره روز

طنین شیپور صلح در «برج میلاد»

● **شرق:** نشست رسانه‌ای کنسرت «شیپور صلح» با حضور بردیا کیارس، محمد معتمدی و علی قمصری ظهر دیروز ۲۲مهر در تالار رودکی برپا شد. معتمدی درباره این کنسرت عنوان کرد: «شیپور صلح» یک پیام و نگاه جهانی دارد و قرار است صدای صلح‌خواهی مردم ایران را به گوش مردم دنیا برساند. او با اشاره به نامگذاری سال۹۳ ادامه داد: امیدوارم امسال که سال فرهنگ نامیده شده به مقوله موسیقی بیشتر توجه شود. همیشه نام‌هایی که برای یک‌سال انتخاب می‌شوند تنها در حد استفاده روی بیلبوردها و تابلوها کاربرد دارند. قمصری درباره جزییات محتوایی این کنسرت گفت: چهار قطعه از این کنسرت به‌صورت مستقیم با صلح در ارتباط است. کنسرتوهایی هم هستند، یکی برای کمانچه است که سولیستش شروین مهاجر است، یکی برای نی که پاشا هنجانی نوازنده آن است، یکی برای سنتور که پویا سرایی است، یکی برای تار که خودم هستم و دیگری هم کنسرتو برای سازهای کوبه‌ای است که همایون نصیری سولیست است. بردیا کیارس، رهبر ارکستر این کنسرت در بخش دیگری درباره جایگزین‌شدن محمد معتمدی به‌جای علیرضا قربانی به‌عنوان خواننده کنسرت، توضیح داد: ابتدا قرار بود این کنسرت شهریور برگزار شود و علیرضا قربانی هم در کنار ما بود، اما از آنجا که کنسرت به مهرماه موکول شد، زمان کاری علیرضا قربانی با ما یکسان نبود و این جایگزینی برای او مقدور نبود. در ادامه نیز قمصری اشاره کرد که «عدم همکاری با قربانی به‌خاطر عدم تفاهم بر سر مسایل غیرموسیقایی بود.» به‌نظر می‌رسد در بخش دیگری از این نشست قمصری با انتقاد از جدی‌نگرفتن استعدادهای جوان در موسیقی کنایه‌ای به سیاست انتخاب رهبری ارکسترهای غیرخصوصی داشت و در ادامه گفت: «شاید چون بردیا کیارس جوان است، خیلی به توانایی‌هایش پرداخته نشده. در صورتی که او یک هنرمند سطح‌بالا در عرصه بین‌المللی است. امیدوارم روزگاری برسد که شایسته‌سالاری جای پیشکسوت‌سالاری را بگیرد.» همچنین قمصری این نشست را فرصتی برای نقد برخی آلبوم‌های پرفروش موسیقی سنتی در چندوقت گذشته دانست و در ادامه با اشاره به ظهور موسیقی‌های مختلف در کشور گفت: «این‌روزها صدای کرکننده موسیقی تجاری همه‌جا به گوش می‌رسد و متاسفانه در حال حاضر موسیقی سنتی تعریف درستی ندارد و هرچیزی ممکن است به‌عنوان موسیقی سنتی عرضه شود. در چنین شرایطی اجرای کنسرتی جدی قابل اهمیت است.»